

باد

برای وزیدن

اجازه نمی‌گیرد

پرنده

چیزی می‌نویسد بر آسمان
دقیق‌تر نگاه کن!

ابرها

کویر را بیدار می‌کنند
با تلنگر باران

در قفس را باز می‌کنم
قناری از کنار آب و دانه‌اش
تکان نمی‌خورد.
گریه‌ام می‌گیرد

باد برای وزیدن
از کلاه من و تو
اجازه نمی‌گیرد

دفتر شرم

منتظر اتفاقی بزرگ می‌ماند
وقتی مادرم لبخند می‌زند

آدم‌برفی‌اش را دوست داشت
اما بهار و هفت‌سین‌اش را بیش‌تر.

دخترک

در آفتابِ سال نو می‌دوید

تراش

مداد را می‌گشود
یا زنده می‌کند؟

خوب که نگاه کنی
بهار نشسته
وسط برف‌ها

روی آن کاج بلند.

تمام سیم‌های تلفن

زیر برف گم شده‌اند

جز این یکی

که حرف‌های عاشقانه از آن عبور می‌کنند

هایکو چیست؟

هایکو، یک قالب شعری است. این نوع شعر را ژاپنی‌ها اختراع کردند و امروزه در تمام جهان گسترش پیدا کرده است. هایکو چند ویژگی دارد:
۱- هایکو، خیلی کوتاه است؛ سه خط یا نهایتاً چهار خط:

«دیگر هیچ نمانده
نه دشت و نه کوهسار
تنها برف است و برف...»

۲- هایکوها، بسیاری اوقات معماگونه‌اند؛ یعنی شاعر سعی می‌کند تا حرف مستقیم خود را به صورتی تأمل برانگیز و غیر معمول بزند. برای همین، فهم هایکو، معمولاً احتیاج به دقت و تفکر دارد. شاعر در این اندیشه است که چشم‌ها و گوش‌های ما، دچار عادت‌زدگی شده‌اند و حقیقت لحظه‌ها را درک نمی‌کنند. به همین خاطر شاعران با کلام خویش از موقعیت‌های آشنا و همیشگی، «آشنایی‌زدایی» می‌کنند تا دیدار تازه‌ای با حقیقت رخ دهد:

«علف شکفته بر میدان کهنه‌ی نبرد
زاده‌ی رؤیاهای جنگ‌آوران درگذشته»

۳- هایکو، معمولاً تصویری را پیش روی ما می‌گذارد. وقتی یک هایکورا می‌خوانیم، گویی داریم به یک قاب نقاشی یا یک عکس نگاه می‌کنیم و یا در منظره یا موقعیتی «حضور» داریم:

«برکه‌ای کهن،
جهیدن غوکی،
صدای آب»

۴- هایکو خواننده را، از طریق دعوت او به مشاهده و حضور در موقعیت، به تأمل و تفکر دعوت می‌کند. به همین خاطر، هرچند هایکوها کوتاه هستند، اما شاید در هر مرتبه، بیش از یک یا دو هایکورا نتوان خواند، زیرا فهم هر قطعه احتیاج به دقت و تأمل دارد:

«خانه‌ی ییلاقی را آتش از من ربود
حال می‌توانم
خود را به تمامی
بر ماه نثار کنم»

هایکو بسرایید!

در مدرسه، حیاط، خیابان، پارک، کلاس، دفتر و کتاب و هر جای دیگری که می‌خواهید، پرسه بزنید، به دقت تماشا کنید و سپس هایکو بسرایید. بهترین هایکوها، در شماره‌های بعدی مجله، چاپ خواهند شد.
یک نمونه هایکو، سروده شده توسط یک نوجوان را ببینید:

«صبح
من، پشت میز، رو به معلم
معلم پشت به من، رو به تخته»

